خبرها

حبس ابد برای گروگانگیر بسلان

ایسنا: یک دادگاه روسی تنها گروگانگیر بازمانده از گروگانگیری خونین سال ۲۰۰۴ در مدرسه‌ای در شهر بسلان را به حبس ابد محکوم کرد. در این گروگانگیری ۳۳۱ تن کشته شدند. به گزارش رویترز نورپاشی کلایف ۲۶ ساله نجار چچنی در تمام اتهاماتش از قبیل ارتکاب اقدام تروریستی و قتل گناهکار شناخته شد. این در حالی است که وی اتهامات خود را رد کرده است. دادستان‌ها خواستار صدور حکم مرگ برای کلایف شده بودند. قاضی دادگاه گفت: کلایف مستحق مرگ است، ولی از آنجا که دولت روسیه اجرای حکم مرگ را به حالت تعلیق درآورده است، من وی را به حبس ابد محکوم کردم. خبرگزاری ایتارتاس به نقل از وکیل کلایف گزارش داد که وی درباره این حکم درخواست تجدیدنظر خواهد کرد. آلبرت پلی‌یف وکیل کلایف گفت: در جریان دادرسی هیچ مدرکی دال بر حضور کلایف در جنایاتی که وی به آنها متهم است ارائه نشد.

ممنوعیت پرواز هواپیماهای کانادا و آمریکا در آسمان بلاروس

ایلنا: دولت بلاروس پرواز خطوط هوایی کانادا و آمریکا بر فراز آسمان خود را ممنوع کرد. شینهوا گزارش داد: «مقامات دولت بلاروس اعلام کردند که این کشور به هواپیماهای خطوط هوایی آمریکا و کانادا اجازه پرواز بر فراز این کشور را نمی دهند و این اقدام در پاسخ به ممنوعیت پرواز نخست‌وزیر بلاروس از فراز خاک کانادا به کوبا و ممنوعیت ورود «الکساندر لوکاشنکو» رئیس جمهوری بلاروس به ایالات متحده آمریکا و اروپا است.» «الکساندر لوکاشنکو» رئیس جمهوری بلاروس خطاب به نمایندگان مجلس گفت: «شما نباید به هیچ دولتی اجازه دهید که پروازهای شما و یا مقامات ارشد بلاروس را محدود کنند.» وی افزود: «اجازه بدهید تا آنان از خاک اوکراین و منطقه بالتیک برای پرواز استفاده کنند.» لوکاشنکو تاکید کرد: «این اقدام به ضرر بلاروس است ولی ما باید شأن و منزلت خود را به آنان نشان دهیم.»

آغاز به کار پارلمان جدید اوکراین

ایلنا: نخستین جلسه پارلمان جدید اوکراین پس از انتخابات پارلمانی ۲۶ ماه مارس در حالی آغاز به کار کرد که هنوز احزاب اصلی این کشور موفق به تشکیل دولت ائتلافی نشده‌اند. آسوشیتدپرس گزارش داد که نخستین جلسه پارلمان اوکراین (رادا) روز پنجشنبه در حالی آغاز به کار کرد که هنوز «ویکتور یوشچنکو» رئیس جمهوری اوکراین موفق به ائتلاف با احزاب متحد نارنجی خود نشده است. «بلوک یولیا تیموشنکو» (BYT) به رهبری «یولیا تیموشنکو» نخست‌وزیر سابق اوکراین و حزب سوسیالیست به رهبری «الکساندر موروز» خواهان ائتلاف با حزب «اوکراین ما» به رهبری ویکتور یوشچنکو هستند ولی رئیس جمهوری اوکراین از اعطای سمت نخست‌وزیری اوکراین به تیموشنکو خودداری می کند. تیموشنکو که با لباسی سفیدرنگ در نخستین جلسه رادا حضور یافت، توسط حامیان و نمایندگان پارلمان موافق انقلاب نارنجی مورد استقبال قرار گرفت. طبق قانون اساسی نمایندگان باید تا ۳۰ روز پس از آغاز کار پارلمان اکثریت ائتلافی رادا را تشکیل دهند و اکثریت نیز نخست‌وزیر و کابینه را به رئیس جمهور پیشنهاد دهد. در صورتی که پس از ۶۰ روز دولت تشکیل نشود رئیس جمهور می تواند مجلس را منحل و تاریخ جدید انتخابات را تعیین کند. همزمان اوکراین شاهد تظاهراتی ۱۲۰ هزارنفری در اعتراض به بدتر شدن اوضاع پس از انقلاب نارنجی بود.

امتیاز به مهاجران در سنای آمریکا

بی بی سی: سنای آمریکا یک لایحه مهاجرت را که به میلیون‌ها مهاجر غیرقانونی فرصت می دهد شهروند این کشور شوند تصویب کرد. سناتورها با ۶۲ رای مثبت در مقابل ۳۶ رای منفی این لایحه را که همچنین شامل تدابیری برای تشدید تدابیر امنیتی در مرزها است تصویب کردند. این لایحه مورد حمایت بوش است اما باید با لایحه سختگیرانه‌تری که سال گذشته توسط مجلس نمایندگان کنگره تصویب شده آشتی داده شود. تخمین زده می شود که حدود ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر مهاجر غیرقانونی در آمریکا زندگی می کنند. مسئله مهاجرت به بحث و جدل‌های تندی در آمریکا دامن زده است و در حالی که جمهوریخواهان سعی دارند در انتخابات میان‌دوره‌ای ماه نوامبر کنترل کنگره را حفظ کنند این موضوع در دستور کار انتخاباتی قرار گرفته است. لایحه سنا تدابیر امنیتی شدیدتری را برای مرزها تدارک می بیند اما در عین حال راه‌هایی را منظور می کند که برخی مهاجران غیرقانونی بتوانند درخواست شهروندی کنند. تدابیری برای یک برنامه پذیرش کارگران مهمان نیز در لایحه گنجانده شده است.

نشست مقامات ۱۷ کشور اروپایی در آلبانی

فارس: مقامات ارشد ۱۷ کشور اروپای مرکزی و جنوب شرقی برای مذاکره درباره همکاری‌های منطقه‌ای در آلبانی با یکدیگر دیدار کردند. به گزارش آسوشیتدپرس روز گذشته مسئولان عالی‌رتبه ۱۷ کشور مرکزی و جنوب شرقی اروپا در تیرانا، پایتخت آلبانی با یکدیگر دیدار کردند تا درباره همکاری و انسجام منطقه‌ای در این قاره مذاکره کنند. معاونان وزرای خارجه و دیگر مقامات عالی‌رتبه آلبانی، اتریش، بلاروس، بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، مجارستان، ایتالیا، مقدونیه، مولداوی، لهستان، رومانی، صربستان و مونته‌نگرو، اسلواکی، اسلوونی و اوکراین در این نشست شرکت کرده‌اند تا درباره طرحی موسوم به «ابتکار اروپای مرکزی» گفت‌وگو کنند، نمایندگان ۱۰ سازمان بین‌المللی نیز در این نشست شرکت کردند.

گفت‌وگو با جلال طالبانی رئیس جمهور عراق

می‌توانیم برای همسایگان مشکل‌ساز باشیم

ترجمه: سعید آقاعلیخانی

گفت‌وگوی هفته گذشته الشرق‌الاوسط با رئیس جمهور عراق بازتاب گسترده‌ای در مطبوعات داشته است. هر چند مدتی از انجام این مصاحبه گذشته است، اما به لحاظ موضع گیری خاص و استثنایی جلال طالبانی پیرامون همسایگان عراق متن خلاصه شده مصاحبه را منتشر می کنیم.

■■■

■ بیشتر مردم عراق از رئیس جمهور شدن شما استقبال کردند، شما به کسی که می گوید «رئیس جمهور کشور عربی عراق باید عرب باشد» چه پاسخی می دهید؟

رئیس جمهور عراق شدن مشروط به «کرد بودن» نشده است و برگزیده شدن به این سمت نیازمند ویژگی‌های اخلاقی، سیاسی و غیره است. رئیس جمهور باید اهل وفاق ملی و مورد پذیرش جناح‌های اصلی پارلمان باشد. او همچنین باید بتواند با نزدیک کردن آرا و دیدگاه‌ها، نقش موثری در حفظ منافع ملی و ایجاد دولت وحدت ملی ایفا کند. در مورد عرب بودن رئیس جمهور نیز باید بگویم که محدود کردن جایگاه ریاست جمهوری به نژاد یا مذهب خاص در تضاد با مفهوم وحدت ملی است. شرط لازم برای وحدت مردم عراق، برقراری حقوق و وظایف یکسان برای همه گروه‌ها و نژادهاست بنابراین همه عراقی‌ها حق دارند که در صورت دارا بودن شرایط مصرح در قانون اساسی به مقام ریاست جمهوری یا نخست‌وزیری برسند. استثنا کردن کردها به اعتبار نژاد آنان در تضاد با مفهوم وحدت ملی و نمایانگر گرایش‌های متعصبانه نژادی و کردستیزانه است.

■ صحبت از کودتا شد. به نظر شما دوران کودتاهای نظامی در عراق به سرآمده است؟

به نظر من بله، این دوره و زمانه کودتا را نمی پذیرد. البته منظورم غیرممکن بودن احتمال انجام کودتا در کشورهای جهان نیست زیرا هنوز در بسیاری از نقاط جهان قدرت در دست نظامیان است اما می توان گفت که در این دوران، کودتا چندان کارساز نیست.

■ از بحران تشکیل دولت و اینکه خواستار دخالت شما شده‌اند، بگویید.

در ابتدا باید بگویم که این درخواست باعث افتخار من است. ماموریت تشکیل دولت در عراق ماموریت بسیار دشواری است. شما از ترکیب جمعیتی، نژادی و مذهبی عراق آگاهی دارید. این کشور با وجود نعمت‌های الهی که خدا بدان اعطا کرده کشوری با شرایط پیچیده ودشوار است و از زمان امام علی(ع) به کشور «مشکل‌ها» مشهور شده است.

■ گفته می شود که شما سکولارها، رویکرد آزاد ملی را برای رهایی از فرقه گرایی دنبال می کنید. چگونه در یک دولت متشکل از شیعه و سنی به وحدت نظر خواهید رسید؟

فراموش نکنید که خود من سنی هستم.

■ اما شما یک سکولار محسوب می شوید و دیدگاه مذهبی ندارید.

بگذارید برای شما از واقعیتی به نام عراق صحبت کنم. عراق کشوری متشکل از دو قوم عرب و کرد است. قانون اساسی زمان صدام نیز به این مسئله اذعان دارد. در کنار کردها و عرب‌ها اقوام دیگری همچون آشوری‌ها، کلدانی‌ها و ترکمان‌ها نیز هستند. در عراق هم مسیحی و هم مسلمان متشکل از شیعه و سنی هست و در داخل سنی‌ها نیز حنفی‌ها و شافعی‌ها هستند. این یک مسئله طبیعی در عراق است و امر جدیدی نیست. آنچه در عراق جدید است وجود احزاب متنوع و متعددی است که از «زاخو» تا «بصره» گسترده شده‌اند. عراق تجربه دموکراتیک چندانی ندارد به ویژه آنکه وقتی عفلقی‌ها در عراق به قدرت رسیدند به جریانات نوگرا و دموکراتیک فرصت عرض اندام ندادند و ملی گراها نیز نتوانستند حتی یک نماینده به پارلمان بفرستند. واقعیت این است که جریان‌های سیاسی در عراق امروز به دو دسته لاییک‌ها و اسلام گرایان تقسیم می شوند و اسلام گرایان نیز- صرف نظر از شیعه یا سنی بودنشان- در اکثریت هستند. همان‌طوری که پیش بینی می شد اسلام گرایان بیشتر کرسی‌های پارلمان را از آن خود کردند. اکنون نیز قرار است دولت براساس فهرست پیروز در انتخابات تشکیل شود حالا چرا این فهرست را به جای آنکه طایفه‌ای بدانیم، فهرستی دموکراتیک ندانیم؟ من در اینجا «فهرست کردستانی» را مثال می‌زنم. این فهرست پنج وزیر دارد. وزرایی متشکل ازمسیحیان و مسلمانان. ما نامزدی مسیحی به نام خانم «فوزی الحریری» برای وزارت داریم که به اعتبار عضویتش در فهرست کردستانی مطرح شده است نه به اعتبار مسیحی بودنش و یا «فهرست العراقیه» که زنان و مردانی از شیعه و سنی درآن وجود دارند.

■ آیا کردها از آنچه اکنون رخ می دهد رضایت دارند؟

بله. من این را به شما ثابت می کنم. ببینید! اگر شما به آمارکردهایی که به قانون اساسی رای مثبت دادند نگاه کنید متوجه می شوید که ۸۰ درصد ازآنان موافق قانون اساسی و وحدت عراق هستند، این خود بهترین نشانه رضایتمندی آنان است. دلیل دیگر اینکه در نبود یک دولت عراقی، پارلمان کردستان تاسیس شد این پارلمان موافقت خود را با ایجاد «عراق متحد فدرال» اعلام نمود اگرچه اعتراض‌هایی در مورد عرب‌های انبار، بصره و کربلا وجود دارد اما به شکل خلاصه من به عنوان یک کرد می گویم که ما راضی هستیم.

■ برخی از عرب‌ها نگران تجزیه عراق و تشکیل دولت مستقل کرد هستند. شما چگونه به آنها اطمینان می دهید؟

به نظر من عرب‌ها نگران تجزیه نیستند بلکه شووینیست‌ها نگرانند زیرا بیشتر عرب‌ها و کردها با شرکت در انتخابات حمایت خود را از تشکیل پارلمان، وحدت ملی و عراق فدرال دموکراتیک اعلام کرده‌اند. طیف عرب سنی مخالف با فدرالیسم نیز به صراحت اعلام کرده است که مخالفتی با کردستان فدرال نداردو حتی برادر صالح المطلک نیز گفته است که من با فدرالیته شدن کردستان مخالف نیستم و حتی بیشتر از آن، با جدا شدن کردستان نیز مخالفتی ندارم. بنابراین می بینید که تقریباً همه گروه‌ها با فدرالیته شدن کردستان موافقند و اعتراض‌ها بیشتر متوجه فدرالیته شدن جنوب عراق است. من در اینجا سئوالی از شما می کنم که دارای نکته دقیقی است و آن اینکه اصولاً نقش کردها در اوضاع عراق چیست؟اگر آنها واقعاً دنبال تجزیه بودند که دعواهای داخل عراق را رها می کردند و به سراغ جداکردن سرزمین‌های کردنشین می رفتند.

■ من از نگرانی‌ها صحبت کردم نه اعتراض‌ها، نگرانی از اینکه کردها به فکر جدایی بیفتند به ویژه آنکه کردها به تازگی کمیسیون استفتاء در این زمینه را نیز تشکیل داده‌اند.

بسیار خب، به سراغ نگرانی‌ها می‌رویم. کمیسیونی که در کردستان تشکیل شده است برای تصمیم گیری در مورد جدا شدن از عراق نیست بلکه برای بررسی سرنوشت این منطقه است که البته حق طبیعی هر قومی است. ما تصمیم گرفته‌ایم که جزیی از عراق باشیم و در چارچوب عراق متحد، متکثر، فدرال، دموکرات و مستقل باقی بمانیم. شما باید تفاوت‌های موجود میان انتخاب آزادانه کردها در زندگی با سایر عراقی‌ها و در چارچوب عراق متحد با آنچه در دهه ۲۰، قرن گذشته -و با زور اسلحه استعمار بریتانیا- رخ داد را بدانید.

■ مشکل کرکوک را چطور ارزیابی می کنید؟

راه‌حل بسیار ساده است و در قانون اساسی آمده است: «برطرف کردن آثار پاکسازی نژادی دوران صدام، بازگرداندن مهاجران به خانه و کاشانه خود و متحد کردن دوباره کرکوک». صدام صدها هزار تن از کردها و ترکمانان این منطقه را وادار به کوچ اجباری کرد و عرب‌ها را از مناطق دیگر به ویژه جنوب در کرکوک اسکان داد. این مسئله مشکلات جمعیتی و طایفه‌ای فراوانی را برای کرکوکی که از قدیم منطقه‌ای سنی‌نشین بوده است فراهم کرد. بسیاری از کسانی که به اجبار صدام به کرکوک آمدند از عرب‌های شیعه‌ای هستند که در صورت امکان خواهان بازگشت به مناطق خود هستند. بنابراین ما باید تلاش کنیم تا این منطقه را به شکل طبیعی و اصلی خود دربیاوریم و این مسئله باید بدون برانگیختن روح دشمنی و آرامش میان اقوام مختلف و به خواست واراده آنان صورت بگیرد. در این راستا برخی دولت‌های خارجی اظهارنظرهایی کرده‌اند که باید به آنها گوشزد کرد که در امور داخلی عراق دخالت نکنند.

■ گناه آنهایی که به اجبار صدام به کرکوک آمده‌اند چیست که حالا باید دوباره جابه جا شوند؟

من با آنان جلسه‌ای داشته‌ام و گفته‌ام که اگر می خواهند بمانند، می توانند، به شرط آنکه بافت جمعیتی شهر را به‌هم نزنند. بسیاری از آنها خواهان بازگشتند و برخی نیز با این بهانه که ترک این منطقه با زور، مخالف اسلام است از ترک آن سر باز می‌زنند. تاکنون ده هزارتن از عرب‌های ساکن این منطقه برای تخلیه کرکوک اعلام آمادگی کرده‌اند. من خود اهل کرکوک و از طالبانی‌های کرکوک هستم.

■ در حال حاضر نگرانی‌هایی نسبت به برخی اقدامات همسایگان عراق وجود دارد که این نگرانی‌ها با بمباران اخیر مناطق کردنشین توسط ایران و ترکیه شدت گرفته است. ارزیابی شما از این خطرات چیست؟

به نظر من خطری جدی از سوی همسایگان ما را تهدید نمی کند. اگر ما در داخل عراق به یک تفاهم ملی برسیم با همسایگانمان نیز به تفاهم خواهیم رسید. من به عنوان رئیس جمهور عراق قول می‌دهم که در صورت همکاری گروه‌ها و تشکیل دولت ملی متحد، گروهی را برای حل مشکلات موجود به تهران و آنکارا بفرستم و اگر این مشکلات حل نشد استعفا می‌دهم و به سلیمانیه می‌روم. میان ما و ایران رابطه تاریخی ریشه‌داری وجود دارد که البته دارای ابعاد مثبت و منفی نیز هست اما در عین حال زمینه خوبی برای حل مشکلات وجود دارد. این مسئله در مورد ترکیه نیز صادق است. توجیه این کشورها برای بیماران مناطق کردنشین تا حدودی درست است. حزب کارگر کردستان با پایگاه قرار دادن خاک عراق علیه این کشور، دست به عملیات نظامی می‌زند و حزب موسوم به «پژاک» نیز همین کار را در داخل خاک ایران می کند. حالا آیا ما می توانیم مانع اقدام این دو کشور علیه این دو حزب بشویم و از آنها بخواهیم که دست از اینگونه اقدامات بردارند. من فکر می کنم حل این مسئله در گرو تشکیل دولت وحدت ملی است و پس از تشکیل این دولت است که می توانیم با ایران، ترکیه و سوریه در مورد مشکلات موجود صحبت کنیم. این مشکلات صرفاً از طریق مذاکره قابل حل است و من شخصاً به روش‌های غیرمتعارف از قبیل لفاظی‌های توهین‌آمیز و... اعتقادی ندارم. من فکر می کنم اگر ما دولت مقتدر و باثباتی داشته باشیم اینگونه مشکلات به راحتی و در قالب مذاکره قابل حل باشد گو اینکه ما کشور ضعیفی نیستیم و اگر دیگران می توانند برای ما مشکل ساز باشند ما هم اگر احساس کنیم بحران به حدنهایت خود رسیده است می توانیم برای همسایگانمان مشکل ساز باشیم؛ اگرچه خواهان چنین وضعیتی نیستیم. اگر ایران به اعتبار شیعه بودنش به خود اجازه دهد که در کربلای شیعی دخالت کند و ترکیه نیز با منطقی مشابه کرکوک را دستخوش بحران کند، رویه خطرناکی حاکم می شود زیرا عراق هم با چنین منطقی به خود حق می دهد که در خوزستان عرب‌نشین دخالت کند و اسکندرونه ترکیه نیز وضعیت مشابهی خواهد یافت. اما بهتر است که به جای این شیوه به حاکمیت و مرزهای یکدیگر احترام بگذاریم.

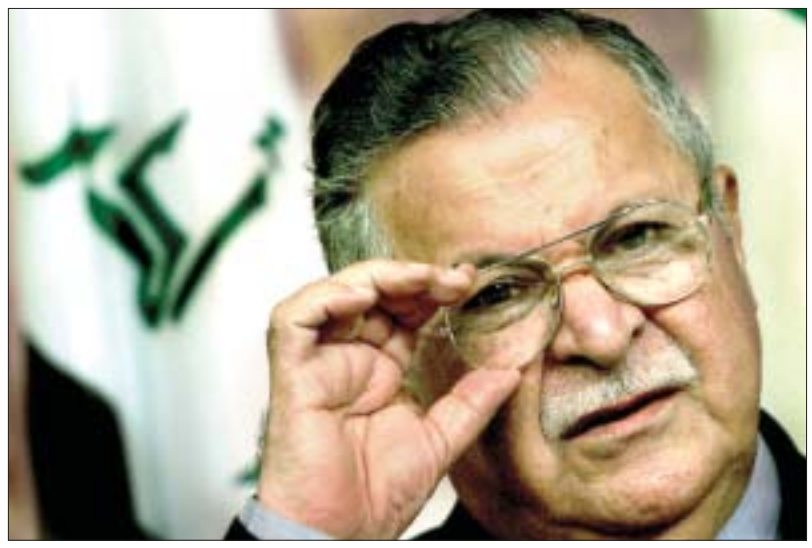

■ این درست است که میان شما و گروه‌های مقاومت مسلح عراقی گفت‌وگوهایی صورت گرفته است؟ جزئیات این گفت‌وگوها را به ماهم بگویید.

این گفت‌وگوها جزئیاتی بیشتر از آنچه در مصاحبه‌هایم گفته‌ام، ندارد. یک روز همراهانم به من اطلاع دادند که شخصی به نام ابومصطفی می خواهد مرا در منزلم ملاقات کند. او از افسران سابق عراق و از جمله مخالفین صدام بود. کمی بعد او به اتفاق چهارتن دیگر به خانه من آمد و گفت که از رهبران مقاومت عراق است و به خاطر اطمینانی که به من دارد به خانه‌ام آمده است. ابومصطفی آمده بود که به من بگوید با آمریکایی‌ها در عمان و بغداد مذاکره کرده است و این مذاکرات در آستانه به نتیجه رسیدن بوده است که به وی خبر می دهند آمریکایی‌ها در حال مذاکره با ایرانی‌ها هستند و از آنجایی که او خطر ایرانی‌ها را بیشتر از آمریکایی‌ها می دانسته مذاکره با آمریکایی‌ها را متوقف کرده است. من به آنها توصیه کردم که دست از مذاکره با آمریکایی‌ها برندارند. یک بار نیز اشخاصی از انبار به نزد من آمدند و مدعی شدند که با گروه‌های مقاومت در ارتباطند. من از آنها به عنوان شهروندان عراقی استقبال کردم. همچنین برزان تکریتی و طارق عزیز نامه‌هایی از زندان برایم ارسال کردند که در آن خواستار رسیدگی به وضعیت بدمزاجی شان بودند و من هم خواسته آنان را برآورده کردم زیرا بر اساس اعتقادی که دارم آنان را شهروندان این کشور می دانم و خود را ملزم به رعایت حقوق انسانی و شهروندی آنان می دانم.

■ اگر از صدام نامه‌ای به دستتان رسید چه می کنید؟

با آنکه تا لحظه آخر با صدام جنگیدم و او همواره مرا خائن نامید اما بازهم خود را ملزم به رعایت حقوق انسانی افراد می بینم و معتقدم که باید با کنارگذاشتن سیاست قلع و قمع و خشونت، صفحه جدیدی آکنده از مدارا و تسامح در این کشور ورق بخورد. از همین رو نامه او را می خوانم و اگر خواسته قانونی داشت آن را برآورده می کنم.

■ میان آمریکا و ایران گفت‌وگویی صورت گرفته است؟

خیر، اما امیدوارم این گفت‌وگوها هرچه زودتر انجام شود و من شخصاً برای ایجاد زمینه این گفت‌وگو و شرکت در آن اعلام آمادگی می کنم.

■ رابطه شما با کشورهای عربی چگونه است؟

بسیار خوب و ما با اردن، عربستان، مصر، سوریه، بحرین و سایر کشورهای عربی رابطه بسیار خوبی داریم.

■ شما از ۱۸ سالگی که به عضویت «شورای مرکزی انقلاب کردی» درآمدید، تاکنون به فعالیت‌های سیاسی اشتغال داشته‌اید. از سیاست خسته نشده‌اید؟

به خدا قسم خسته شده‌ام. من حتی نمی توانم خانواده‌ام را یک جا جمع کنم. ما فقط طی یک حادثه نادر در آغاز سال میلادی جدید توانستیم باهم یک جا جمع شویم.

منبع: الشرق الاوسط

نگاه کارشناس

اصلاحات در عربستان

عمرو حمزاوی*

ترجمه: محمد مالکی

طی سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ قبل از اشغال عراق، حکومت بوش به‌طور بی‌سابقه‌ای بر ضرورت انجام اصلاحات در عربستان تاکید می کرد و به‌صورت ویژه‌ای نظام آموزشی و فقدان مشارکت سیاسی را مورد نظر قرار می‌داد. ولی ناآرامی‌ها در عراق، پاندول روابط آمریکا و عربستان را در جهت عکس، سوق داد. حکومت بوش در دو سال گذشته در برخورد با عربستان از خود نرمش نشان داد و بر قضایای داخلی این کشور چشم پوشید. خانواده سلطنتی هم به بهانه اینکه اصلاحات سریع و کنترل‌نشده باعث تضعیف حکومت آنها و رسیدن اسلامگرایان افراطی به قدرت می‌شود، به روش‌های ارعاب پناه آورد. ایالات متحده آمریکا و اروپا در جست‌وجوی خود برای یافتن انگیزه‌هایی جهت تشویق اصلاحات، با واقعیت‌های جامعه عربستان روبه‌رو هستند. به‌رغم اینکه ایجاد فضای باز سیاسی کنونی با اهمیت است ولی این امر به معنای آغاز فرآیند دموکراتیزاسیون (دموکراسی سازی) در عربستان نیست. در این کشور انتظار نمی‌رود احزاب سیاسی، مجوز فعالیت پیدا کنند و یا یک انتخابات رقابتی در آینده نزدیک برگزار شود. ایجاد یک نهاد قانونگذاری قدرتمند و یک دستگاه قضایی مستقل هم در ردیف احتمالات بعیدی هستند. فرآیند اصلاحات در دیکتاتوری عربستان محکوم به پیمودن مسیری طولانی و با سرعتی کم است.

■ حمایت از جامعه مدنی

ایالات متحده و اروپا می‌توانند از دو راه به تقویت اصلاحات سیاسی در عربستان بپردازند. نخست از طریق دستگاه‌های حکومتی: حکومت‌های غربی باید از خواسته‌های مجموعه‌های اصلاح‌طلب مجزا از هم حمایت کنند. دوم از طریق گروه‌های جامعه مدنی: غرب باید روابط خود با نمایندگان جامعه مدنی در عربستان را تقویت کند. این امر نیازمند تلاش‌های مشترک سازمان‌های حکومتی و غیرحکومتی است که در زمینه دموکراسی و حقوق بشر فعالیت می‌کنند. باید به حکومت عربستان فشار آورد تا به سازمان‌های غیرحکومتی داخلی و بین‌المللی اجازه دهد که با آزادی بیشتری به فعالیت خود ادامه دهند. می‌توان به شرکت تدریجی گروه‌های جامعه مدنی و سندیکاها در برنامه‌های مستمر داخلی کمک کرد. همچنین می‌توان با آگاه ساختن مردم عربستان از دستورالعمل‌های بین‌المللی تقویت دموکراسی، راهکارهای خاصی برای انجام اصلاحات در این کشور ایجاد کرد و به گسترش توانایی‌ها و تشویق برنامه‌های اصلاح‌گرایانه آنها پرداخت. اقدامات ذکر شده در اینجا بسیار متواضع و ناچیز است ولی در کشوری مثل عربستان که اولین گام‌های خود را به سوی آزادی برمی‌دارد، بهتر است آمریکا و اروپا اهداف حداقلی را در نظر داشته باشند و به طور مکرر بر آنها تاکید کنند.

*** پژوهشگر موسسه کارنگی اندومانت برای صلح بین‌المللی در واشینگتن**

منبع: qantara.de

بخش پایانی